در ادامه صحبت هاام درباره قاجار باید بگم که خب اون نوع توجه به ادبیات با اینکه شاهزاده ها با سواد بودن به شاعران و نویسنده ها توجه نشان میدادند ولی با این حال به دلیل روش و سبک غلطی که شاعران انتخاب کرده بودند نتونستند موفق بشوند. این سستی کم کم باعث اعتراضات و انتقادات به این شیوه سرایش شعر شد. در این میان زمزمه هایی در حوزه مشروطه خواهی شروع شد.

هر وقت که درباره تحولات صبحت میکنیم نباید هیچ وقت یک نقطه رو ببینیم! تحولات در یک بازه زمانی در طول تاریخ اتفاق افتاده. و ممکنه اول اعتراضاتی رخ بدهد که سرکوب بشوند. ولی از ادامه دار باشد در طول زمان منجرب به تحول بشود.

نکته: سواد داشتن یعنی خواندن و نوشتن در دوران مربوط به طبقه بالادست ها بوده است و این خودش یکی از عواملی بوده که موجب اعتراضاتی میشد که این امور باید در اختیار همه مردم باشند نه اعیان.

از طرفی افراد باسوادی که ارتباط با کشور های دیگر داشتن، شروع کردند به ایجاد نوعی تحولات خاص که قبلا وجود نداشت مثل روزنامه ها!

انتشارات مقالات که باعث روشن شدن ذهن مردم شود و در واقع این اگاهی بخشی به مردم خودش زمینه ساز اون نوع پیشرفتی می شود که در ان دوران نیاز بوده است

از طرفی ما همونطوری که میودنیم اگاهی و دانایی باعث ایجاد بعضی انتظار و نیاز در انسان میشود. این اگاهی بخشی خیلی مردم را از بی سوادی و گنگی سابق بیرون می اورد تا زمینه برای تغییر و تحول بیشتر مهیا شود

اندیشمندان که داشتند این مقاله هارو برای مردم بنویسند مجبور بودند زبانشون رو خیلی عامیانه کنند در نتیجه از همین دوران اون نثر روزنامه وار بیشتر به کار میاید و مثل یک ابزار کاربردی در اختیار قرار میگیرد. یک نثر ساده ای که عملا داشته حرف خود مردم رو بیان میکرده